

بررسی تطبیقی مبنا و حدود مسؤولیت ناشی از عیب تولید در حقوق ایران، فرانسه و دستورالعمل جامعه‌ی اروپا^۱

مهرداد ابدالی^۲

چکیده

عنوان «مسؤولیت ناشی از عیب تولید»، ناظر بر مجموعه‌ی مقرراتی است که تولیدکننده را مسؤول زیان‌های جسمی و مادی می‌داند که بر اثر استفاده‌ی از کالا برای مصرف‌کننده و سایر اشخاص به وجود می‌آید. به رغم آن که در نظام‌های حقوقی مختلف تلاش شده است تا چهره‌های مختلف حقوقی، اقتصادی و اجتماعی این قسم از مسؤولیت، در بستر سنتی طرح و بسط آن، نشان داده شود و دکترین و رویه‌های قضایی همواره به تحلیل و چگونگی بسط آن توجه کرده‌اند، وضعیت صنعتی و حقوقی - اقتصادی، ایجاب می‌کند که مقررات و قواعد حاکم بر این نوع مسؤولیت، شکل مدون گرفته و مرزهای آن به درستی ترسیم شود. بررسی دستورالعمل مسؤولیت ناشی از تولید ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا و مسؤولیت ناشی از تولید ۱۹۹۸ فرانسه و تطبیق آن‌ها با قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده ایران، نشان می‌دهد که حقوق ایران در این زمینه، متضمن نقص‌هایی جدی است. قانون اخیر با تعریف مصرف‌کننده به خریدار، مسؤولیت تولیدکننده در مقابل خریدار را بر مسؤولیت قراردادی مبتنی دانسته، هرچند مسؤولیت تولیدکننده در قبال اشخاص ثالث را مسؤولیت مدنی تلقی نموده است؛ چنین تفکیکی صحیح نبوده و موجب شده است مصرف‌کننده نتواند از حمایت‌های لازم قانونی برخوردار شود.

واژگان کلیدی: مسؤولیت ناشی از تولید، حقوق مصرف‌کننده، کالای معیوب، عیب تولید، مسؤولیت محض، دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۰/۵/۲۳؛ تاریخ پذیرش نهایی مقاله ۱۳۹۱/۳/۱۸.

۲. دکتری حقوق خصوصی، عضو هیات علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین؛

درآمد

سپری شدن مدت زمانی طولانی در فاصله‌ی بین طرح و تصویب قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۸ این انتظار را برای جامعه‌ی حقوقی کشور به وجود آورد که با مقرره‌ای، جامع و منسجم مواجه باشیم که بتواند با توجه به واقعیت‌ها و تجربه‌ی نظام‌های حقوقی دیگر، مسئولیت ناشی از عیب تولید را از حیث حقوقی و همچنین کارایی اقتصادی مورد توجه قرار دهد؛ با این وجود، چنین انتظاری به تمام و کمال محقق نشد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت این قانون هیچ معادله‌ی حقوقی را، به ویژه از حیث مبنا و حدود مسئولیت تولیدکننده جز از حیث مسئولیت کیفری، به نفع مصرف‌کنندگان ایجاد نکرده یا تغییر نداده است؛ آن‌چنان که برخی رویکرد آن را بازخوانی قواعد سنتی نام داده‌اند (عبدی‌پور؛ پرتو، ۱۳۹۰: ۳).

تصویب این قانون در مقایسه با قوانین مربوط به حمایت از حقوق مصرف‌کننده در دیگر نظام‌های حقوقی جهان، با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده است. به ویژه در مقایسه با دستورالعمل مصوب ۱۹۹۹ جامعه‌ی اروپا که ناظر بر جنبه‌های خاصی از فروش کالاها، مصرفی است. به طور کلی در خصوص موضوع حمایت از حقوق مصرف‌کننده، افزون بر دستورالعمل یاد شده، «دستورالعمل مسئولیت ناشی از عیب تولید جامعه‌ی اروپا»^۱ مصوب ۱۹۸۵ یکی از مهم‌ترین مصوبات جامعه‌ی اروپا در مقام هماهنگ‌سازی قوانین حاکم است (Howells, 2005: 206)؛ همچنین قانون نوزدهم مه ۱۹۸۸ فرانسه شایسته‌ی توجه است؛ به موجب قانون اخیر هیجده ماده به صورت بندهایی در ذیل ماده‌ی ۱۳۸۶ قانون مدنی اضافه شد؛ همچنین اصلاحات بعدی این قانون در اصلاحات فوریه ۲۰۰۵ محل تأمل است.

حقوق مصرف‌کننده ناظر بر حمایت از حقوقی اساسی است که در دو قانون یاد شده بدان‌ها توجه شده و در ده مورد^۲ محور بحث قرار گرفته است. مسئولیت ناشی از عیب تولید که موضوع نوشتار حاضر است، ناظر بر سیاست

1. EC Product Liability Directive (1985)

۲. این محورها عبارتند از: توجه به خواسته‌ی مصرف‌کننده، تأمین ایمنی بالا درباره‌ی غذا و کالاهای مصرفی، شناخت مصرف‌کننده از آن‌چه که می‌خورد، امکان پس دادن کالا، منصفانه بودن قرارداد برای مصرف‌کننده، امکان تغییر تصمیم مصرف‌کننده در مواردی، تسهیل در رقابتی کردن قیمت‌ها، جلوگیری از گمراه کردن مصرف‌کننده، حمایت از مصرف‌کننده در تعطیلات و امکان جبران مؤثر خسارت.

تقنینی «مسئولیت‌محور»^۱ی است که در نظام‌های حقوقی متعدد با عنوان مسئولیت ناشی از عیب تولید برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده، مورد توجه قرار گرفته است. تلاش شده است با مقایسه‌ی میان دستورالعمل اروپایی ۱۹۸۵ و قانون ۱۹۸۸ فرانسه، مبنا و حدود مسئولیت تولیدکننده در مقایسه با قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده ایران مصوب ۱۳۸۸ تبیین شود. بنابراین، در این نوشتار، حقوق مصرف‌کننده از مدخل مسئولیت تولیدکننده بررسی شده است. تنها در مواردی که ضرورت بحث اقتضاء نموده، دستورالعمل مصوب ۱۹۹۹ پارلمان اروپا درباره‌ی حقوق مصرف‌کننده مورد استناد قرار گرفته و محور بحث به طور عمده دستورالعمل ۱۹۸۵ درباره‌ی مسئولیت ناشی از عیب تولید است.

۱. تولیدکننده و کالاهای مشمول حمایت

دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا و قانون مسئولیت ناشی از عیب تولید فرانسه، ابتدا کالاهای مشمول قانون را احصاء و سپس تولیدکننده را تعریف نموده‌اند؛ این در حالی است که در «قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده ایران» از کالا تعریفی ارائه نشده است؛ به‌نحوی که، مفهوم تولیدکننده ذیل عنوان کلی‌تر «عرضه‌کنندگان کالا و خدمات» مطرح شده است. به ترتیب هر یک از این موضوعات بررسی می‌شوند.

۱-۱. کالاهای موضوع مسئولیت تولیدکننده

ماده‌ی ۲ دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا مقرر می‌دارد: «از نظر این طرح مقصود از کالا، تمامی اموال منقول است؛ حتی اگر در اموال منقول یا غیرمنقول دیگری به کار رفته باشند. الکتریسیته نیز مشمول «عنوان کالا» است». بنابراین، اموال غیرمنقول ذاتی اصولاً از شمول این دستورالعمل خارج است؛ اما اموال غیرمنقول عرضی و تمامی اموال منقول، اعم از آن که در مال دیگری به کار رفته باشند یا این‌که چنین نباشد، مشمول دستورالعمل خواهند بود. به بیان دیگر، تنها استثنای اموال مشمول این طرح، اموال غیرمنقول ذاتی است. بر این اساس، دستورالعمل مذکور به حقوق مصرف‌کننده در گستره‌ی وسیعی توجه نموده است؛

از این رو، مصادیق متعدد کالا مانند ماشین‌آلات، وسایل صنعتی، مواد خوراکی، داروها، پوشاک، بنزین و حتی آب و گاز لوله‌کشی شده و لوازم و مصالح به کار رفته در ساختمان را فرا می‌گیرد. بند «ب» ماده‌ی یک دستورالعمل ۱۹۹۹ جامعه‌ی اروپا نیز کالای مصرفی را «کالای مادی منقول» عنوان و تصریح نموده است که آب و گاز در صورتی مشمول عنوان کالاهای مصرفی قرار می‌گیرند که مقدار مشخص داشته و به صورت بسته‌بندی و در ظرف ارائه شوند.

علت خروج اموال غیرمنقول ذاتی از شمول دستورالعمل مذکور این است که اولاً، با توجه به قوانین ملی، قواعد متعدد و خاصی بر این نوع اموال حکومت می‌کند؛ ثانیاً، بر خلاف اموال منقول که ممکن است از کشوری به کشور دیگر منتقل شوند، هدف دستورالعمل این است که صرف نظر از کشور محل تولید کالا و معامله‌ی این اموال مشمول مقررات واحدی قرار گیرند؛ از آن‌جا که اموال غیرمنقول امکان جابجایی ندارند، منطقی است که قوانین ملی بر آن‌ها حکومت کند (Boger, 2006: 187).

موضوع قابل توجه آن که در هر دو دستورالعمل، الکتریسیته نیز در کنار اموال منقول مورد حمایت قرار گرفته است. پرسشی این است که علت درج الکتریسیته در شمار تولیدات مشمول دستورالعمل چیست و کدامین ویژگی الکتریسیته سبب این پیش‌بینی شده است؟

به نظر می‌رسد تنها ملاک مدنظر تدوین‌کنندگان دستورالعمل، کاربرد وسیع الکتریسیته در حوزه‌ی زندگی مصرف‌کنندگان و نقش آن در امکان به کارگیری کالاهای مورد استفاده است. وجود عیب در الکتریسیته، از حیث ضعف و یا قوت و لذا آن نقش بسیار مخربی در کالاهای مورد استفاده‌ی مصرف‌کنندگان دارد. از این جهت، توجه به الکتریسیته کاملاً منطقی و مبتنی بر نوعی نگاه اقتصادی بوده است (Clark, 1989: 111).

در ماده‌ی ۲-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه نیز همین تعریف از کالا ارائه شده است؛ به نحوی که تمامی اقسام اموال منقول اعم از این که در مال غیرمنقولی به کار رفته باشند یا آن‌که در سایر اموال منقول ترکیب شده باشند، مشمول حمایت قرار گرفته‌اند؛ الکتریسیته نیز در کنار اموال منقول قرار گرفته است و از این حیث، تفاوتی با دستورالعمل مذکور ندارد.

در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده ایران و نیز آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، از کالاهای مشمول قانون، تعریفی ارائه نشده است؛ اما با دقت در مواد این قانون معلوم می‌شود که مقصود از کالا، کالاهای منقول است. با این وجود مشخص نیست که آیا اموال غیرمنقول عرضی نیز از حمایت‌های موضوع این قانون برخوردارند یا آن که چنین نیست؟ هم‌چنین در خصوص شمول قانون نسبت به برخی کالاها مانند برق، آب و گاز تردید جدی وجود دارد. به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق واژه‌ی کالا در بند ۲ ماده‌ی یک این قانون باید چنین کالاهایی را نیز مشمول قانون دانست و صرفاً اموال غیرمنقول ذاتی را از شمول آن خارج نمود.

با توجه به بند ۲ ماده‌ی یک قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ که کالا را هر شیء منقول و یا غیرمنقول دانسته است «که می‌تواند مورد مبادله و استفاده قرار گیرد»، ممکن است این تردید ایجاد شود، اموال غیرمنقول ذاتی نیز مشمول قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده قرار می‌گیرند؛ با این وجود باید توجه داشت که: اولاً، تعریف مذکور به لحاظ سیاست‌های منعکس در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم است که ناظر بر کلیه‌ی اموال دولتی و عمومی است و تسری آن به کالاهای موضوع قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده صحیح نمی‌باشد؛ ثانیاً، در تولید اموال غیرمنقول ذاتی (که تنها مصداق آن زمین و اموال زیرزمینی است)، فرد انسانی دخالتی ندارد، در حالی که موضوع قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده، کالاهای تولیدی است و از این حیث اموال غیرمنقول ذاتی، خروج موضوعی دارند.

۲-۱. تعریف تولیدکننده

ماده‌ی ۳ دستورالعمل جامعه‌ی اروپا ۱۹۸۵، در سه بند مستقل واژه‌ی «تولیدکننده» را تعریف نموده است. این ماده مقرر می‌دارد:

۱. منظور از «تولیدکننده» سازنده‌ی تمامی کالاها، تولیدکننده‌ی مواد خام یا سازنده‌ی اجزای ترکیبی آن و هر شخصی است که با قرار دادن نام، علامت تجاری یا دیگر نشانه‌های مختص خود بر کالا، خود را تولیدکننده‌ی آن معرفی می‌کند.
۲. بدون نفی مسؤولیت تولیدکننده، هر کس که کالایی را برای فروش،

اجاره، یا هر یک از اشکال توزیع در زمان داد و ستد خود، به جامعه‌ی اروپا وارد کند، تولیدکننده تلقی شده و از نظر این طرح، دارای مسؤولیت تولیدکننده می‌باشد.

۳. در مواردی که تعیین هویت تولیدکننده‌ی کالا امکان‌پذیر نمی‌باشد، هر یک از تهیه‌کنندگان کالا، تولیدکننده تلقی خواهند شد؛ مگر آن که ظرف مدتی متعارف، هویت تولیدکننده یا کسی که کالا را برای او تهیه کرده‌اند، به زیان‌دیده اطلاع دهند. در مواردی که کالای وارد شده هویت واردکننده‌ی موضوع پاراگراف دوم را نشان ندهد، همین حکم جاری است؛ حتی اگر نام تولیدکننده مشخص باشد».

از نظر بند ۲ ماده‌ی یک دستورالعمل ۱۹۹۹ جامعه‌ی اروپا نیز تولیدکننده عبارت است از سازنده‌ی کالاهای مصرفی، واردکننده‌ی کالاهای مصرفی به قلمرو جامعه‌ی اروپا یا هر کسی که با قرارداد نام، علامت تجاری یا دیگر اختصاصات ویژه، خود را تولیدکننده معرفی نموده است.

تعریف اخیر نسبت به تعریف دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا از تولیدکننده، دامنه‌ی محدودتری دارد. در واقع، این تعریف با ضمانت‌اجراهای تعیین شده در این دستورالعمل، توجیه‌پذیر است؛ زیرا موضوع این دستورالعمل «خسارات ناشی از کالا» نمی‌باشد؛ بلکه «شیوه‌های جبران زیان عیب خود کالا» است که بر قرارداد فروش مبتنی است. در مباحث بعدی این مطلب به تفصیل خواهد آمد.

ماده‌ی ۶-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه نیز تعریفی مشابه ماده‌ی ۳ دستورالعمل مذکور از تولیدکننده ارائه داده است. به هنگام تصویب این قانون، پاراگراف اول بند ۷ ماده‌ی ۱۳۸۶ این قانون مسؤولیت تهیه‌کننده‌ی کالا را که در بند ۳ ماده‌ی ۳ دستورالعمل یاد شده، مسؤولیتی فرعی تلقی شده است، همان مسؤولیت تولیدکننده عنوان کرده بود؛ این مقرر بعدها با توجه به اعتراض کمیسیون موضوع دستورالعمل، اصلاح شد. این موضوع در بخش مربوط به مسؤولیت تولیدکننده بررسی خواهد شد.

بند ۲ ماده‌ی یک قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده به جای واژه‌ی تولیدکننده از عنوان کلی‌تر «عرضه‌کنندگان کالا و خدمات» استفاده نموده و مقرر می‌دارد: «عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات اعم از فنی و حرفه‌ای و همچنین کلیه دستگاه‌ها، مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم

ذکر یا تصریح نام است و به طور مستقیم یا غیرمستقیم و به صورت کلی یا جزئی کالا یا خدمت به مصرف‌کننده ارائه می‌نمایند اطلاق می‌شود».

این ماده مانند ماده‌ی ۳ دستورالعمل مذکور و ماده‌ی ۶-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه، تعریف جامعی از عرضه‌کننده‌ی کالا و خدمات ارائه داده و موارد مندرج در ذیل عنوان تولیدکننده در دو قانون دیگر را پوشش می‌دهد، اما از جهاتی تفاوت دارد: اولاً، در ارتباط با نام، علامت تجاری یا دیگر ویژگی‌های اختصاصی که ممکن است صاحبان آن‌ها بر کالا قرار دهند، ساکت است و مشخص نیست که آیا چنین کسانی را نیز می‌توان مشمول عنوان عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات قرار داد یا خیر؟ به نظر می‌رسد با توجه به این که قانون‌گذار در مقام تفصیل عنوان عرضه‌کنندگان کالا و خدمات بوده و موارد مربوط به نام، علامت تجاری و سایر مختصات تعیین‌کننده را به سکوت واگذار کرده است، باید این موارد را از شمول تعریف خارج دانست؛ نتیجه‌ای که محل تأمل است.

ثانیاً، کسانی که کالایی را به کشور وارد می‌کنند و آن را به اجاره می‌دهند، را مشمول عنوان عرضه‌کنندگان کالا و خدمات قرار نداده است. ثالثاً، موارد مذکور در بند ۳ ماده‌ی ۳ دستورالعمل اتحادیه‌ی اروپا در خصوص مسؤولیت تهیه‌کنندگان کالا نیز پیش‌بینی شده است. این موضوع به تفصیل خواهد آمد.

۲. معنای عیب محصول

اصولاً در تمامی نظریه‌های مبنای مسؤولیت، از جمله مسؤولیت محض که در دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا و قانون مدنی فرانسه مبنای مسؤولیت تولیدکننده اعلام شده است، باید عیب کالا ثابت شود؛ زیرا وجود عیب در کالا آن را به کالایی خطرناک تبدیل می‌کند. در واقع «خطر کالای معیّب، عرضی و ناشی از بی‌مبالاتی در پرهیز از خطرهای احتمالی و تأمین ایمنی مصرف‌کننده در فرایند طرح و تولید کالا است؛ کالایی که می‌توانست بی‌خطر باشد یا خطر آن از مرز متعارف فراتر نرود» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۸۰). بنابراین، شناخت ماهیت عیب از ارکان مهم مسؤولیت ناشی از عیب تولید است.

ماده‌ی ۶ دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا در مقام تعریف کالای معیوب مقرر می‌دارد:

۱. کالا در صورتی معیوب است که با توجه به شرایط ذیل، سلامت مورد انتظار شخص را برآورده نکند؛ «الف» ارائه‌ی کالا؛ «ب» استفاده‌ای که به صورت متعارف از کالا انتظار می‌رود؛ «ج» زمانی که کالا به جریان افتاده است.
۲. یک کالا را نمی‌توان صرفاً به این دلیل معیوب دانست که بعداً کالای بهتری به جریان افتاده است.

از آنجا که هدف دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا حمایت از شخص (تمامیت جسمانی) مصرف‌کننده و اموال است، تعریف عیب با لحاظ کردن عنصر «سلامتی مورد انتظار» صورت گرفته است نه «تناسب کالا با استفاده‌ی مورد انتظار» مصرف‌کننده از کالا. به بیان دیگر، برای تشخیص معیوب بودن کالا باید به این معیار توجه کرد که آیا کالای مصرفی، سلامت فرد را به خطر انداخته است، اعم از این که برای مصرف مورد انتظار وی مناسب باشد یا چنین نباشد. این امر از آن جهت واجد اهمیت است که حق برخورداری از محصول ایمن یا به اختصار حق ایمنی، در زمره‌ی حقوق بنیادین مصرف‌کنندگان است. این حق بدین معنی است که مصرف‌کنندگان حق دارند کالا و خدمات ایمن به آن‌ها عرضه شود؛ کالا و خدماتی که به جان، سلامتی و اموال آن‌ها آسیب نمی‌رساند (عادل؛ غفاری فارسانی، ۱۳۸۸: ۲۶).

اما در دستورالعمل ۱۹۹۹ جامعه‌ی اروپا آن‌چه معیار عیب کالا اعلام شده است، «تناسب کالا با انتظار مصرف‌کننده» است. بر اساس ماده‌ی ۲ این دستورالعمل، فروشنده باید کالایی را به خریدار تحویل دهد که با قرارداد فروش تناسب داشته باشد. مشابه تعریف دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا هم از حیث تعریف و هم چنین شرایط، در ماده‌ی ۴-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه آمده است. به موجب این ماده «محصول از حیث عنوان کنونی، در صورتی معیوب است که ایمنی مشروع مورد انتظار را تأمین نکند»؛ به نظر می‌رسد مقصود از قید «مشروع»^۱ در کنار واژه‌ی «ایمنی»، متعارف و معقول باشد. برای تشخیص سلامتی مورد انتظار متعارف، باید تمامی این شرایط را لحاظ نمود: انتظاری که از کالا می‌رود، استفاده‌ی متعارفی که انتظار می‌رود

مصرف‌کننده از کالا داشته است و کالا برای تأمین همان استفاده، تولید شده است و زمانی که کالا عرضه شده است. بنابراین، در هر دو مورد تعریف واحدی از عیب کالا ارائه شده است.

بند ۴ ماده‌ی یک قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده در تعریف عیب آورده است «منظور از عیب در این قانون، زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات گردد». این تعریف ماهیت عیب را در مسؤولیت مدنی چنان که باید نشان نمی‌دهد و حداکثر می‌تواند در رابطه‌های قراردادی پذیرفته شود؛ زیرا در رابطه‌ی قراردادی است که طرفین بر اساس وصف سلامت کالا در خصوص ارزش آن توافق می‌کنند؛ اما در مسؤولیت مدنی ناشی از عیب تولید، آنچه ملاک شناسایی عیب قرار می‌گیرد، خسارت ناشی از عیب کالا است نه نقص بهای آن. در واقع، تکیه بر معیار «زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا شود» یکی از معیارهای وجود عیب است و نه تنها معیار آن؛ هم‌چنان که گفته شد این معیار می‌تواند در رابطه‌ی قراردادی ملاک عمل قرار گیرد و نه در مسؤولیت مدنی. به نظر می‌رسد قانون‌گذار رابطه‌ی تولیدکننده و مصرف‌کننده را رابطه‌ای قراردادی دانسته و بر همین اساس، عیب را به صورت مذکور تعریف کرده است؛ زیرا:

اولاً، در بند یک از ماده‌ی یک این قانون، مصرف‌کننده را هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌داند که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند. داشتن چنین نگاهی به رابطه‌ی میان تولیدکننده و مصرف‌کننده، مانع از آن می‌شود که دیگر مصرف‌کنندگانی که در نتیجه‌ی استفاده از کالای معیّب، زیان دیده‌اند، از حمایت‌های این قانون برخوردار شوند؛ زیرا عنوان خریدار نداشته‌اند.

ثانیاً، چنان که خواهیم دید، ماده‌ی ۲ همین قانون، مسؤولیت عرضه‌کنندگان کالا و خدمات را در قبال عیب کالا، همان قواعد سنتی قانون مدنی در خصوص عیب کالا دانسته و از مسؤولیت مدنی و هدف حمایت از حقوق مصرف‌کننده فاصله گرفته است.

بنابراین، برای تشخیص ماهیت عیب کالا از حیث مسؤولیت تولیدکننده، افزون بر «کاهش ارزش اقتصادی کالا» باید به «کاهش استفاده‌ی متعارف از کالا» و

«ایمن نبودن کالا» نیز توجه شود. بر همین اساس بر خلاف نظر برخی که معتقدند «اگر در تعریف عیب گفته شود نقضی است که از ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد، به همه موارد عیب دست یافته‌ایم» (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۷۵)، باید گفته شود که صرف «نقص ارزش کالا و انتفاع متعارف از آن» برای تعریف کالای معیوب کافی نیست. به بیان دیگر، از نگاه حقوق مصرف‌کننده، که در ماده‌ی ۲ دستورالعمل ۱۹۹۹ جامعه‌ی اروپا نیز منعکس شده است، ملاک ارزیابی عیب کالا همان نقص ارزش کالا و عدم تناسب با انتظار مصرف‌کننده است. اما با نگاهی به مسئولیت تولیدکننده، کالای معیوب کالایی است که صرف نظر از تناسب یا عدم تناسب کالا با انتظار مصرف‌کننده و نقصان یا عدم نقصان ارزش کالا، سلامتی او را به مخاطره افکنده است. این رو، تعریف عیب به وضعیتی «در کیفیت کالا که بر خلاف وضعیت متعارف و سلامت آن می‌باشد» (مددی، ۱۳۸۸: ۹۵)، تعریف صحیح‌تری به نظر می‌رسد.

موضوع قابل توجه آن‌که در آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۹، از عیب تعریف بهتری صورت گرفته است. بند «ز» ماده‌ی ۲ این آیین‌نامه در تعریف عیب آورده است: «زیاده، نقیصه و یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا و خدمات و یا عدم امکان استفاده متعارف از آن می‌گردد». مشخص نیست چرا در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده از این معیار عدول شده و تعریف ناقصی ارائه شده است.

۳. مبنای مسئولیت ناشی از کالای معیوب

بر مبنای مفاهیم مدرن از مسئولیت تولیدکننده، شخص زیان‌دیده بر مبنای سه نظریه می‌تواند برای زیان ناشی از عیب کالا، علیه تولیدکننده طرح دعوا کند: تقصیر^۱، نقض قرارداد^۲ و مسئولیت محض^۳. تفکیک میان مسئولیت قراردادی و مسئولیت مدنی برای مراجعه‌ی زیان‌دیده به تولیدکننده از حیث تعیین خواندگان دعوا، مفهوم و وضعیت استفاده از کالا، بار اثبات دعوا و ارزیابی میزان خسارت اهمیت بسیار دارد (Borger, 2006: 180).

1. Negligence

2. Breach of Contract

3. Strict Liability

نظریه‌ی مسؤولیت محض در مقایسه با دو نظریه‌ی دیگر، مناسب‌ترین مبنای مسؤولیت تولیدکننده در مقابل مصرف‌کننده تشخیص داده شده است (Fletcher, 2009: 328). به همین جهت، مسؤولیت محض در قلمرو مسؤولیت ناشی از عیب تولید، در مقایسه با دیگر حوزه‌های مسؤولیت مدنی مورد توجه بسیاری از نظام‌های حقوقی قرار گرفته است.^۱ این نظریه ابتدا در آمریکا مطرح و در ماده‌ی ۴۰۲ الف اعلامیه‌ی دوم انستیتوی حقوق آمریکا^۲ منعکس شد. بر اساس بند یک این ماده «هر کس کالای معیوبی به دیگری بفروشد که برای استفاده‌کننده، مصرف‌کننده و یا اموال آن‌ها خطر نامتعارفی در پی دارد، مسؤول زیان‌هایی است که به جسم مصرف‌کننده‌ی نهایی یا اموال او وارد می‌شود...». بر اساس این معیار عینی، حقوق دانان آمریکا در مقام تفسیر معتقدند که خواهان دعوا باید افزون بر اثبات عیب کالا، ثابت کند کالا در وضعیتی بوده که خطر غیرمتعارفی را ایجاد می‌کرده است (Levmore, 1994: 340). این امر برای تفکیک کالاهایی است که ممکن است ایجاد زیان کنند؛ حتی اگر در تولید آن‌ها خطایی رخ نداده باشد (صرف‌نظر از ماهیت کالا امکان ایجاد زیان را در پی دارند)؛ کالاهایی که معیوب‌اند، اما متضمن ورود زیان نبوده‌اند (به این معنی که هیچ کالایی از حیث فنی کامل نیست). و سرانجام کالاهایی که معیوب‌اند و خطر قابل پیش‌بینی نیز دارند. هدف بیانیه‌ی دوم این است که صرفاً فرض اخیر تحمیل مسؤولیت را به دنبال دارد (Ausness, 1997: 423).

بنابراین، حمایت از حقوق مصرف‌کننده اقتضای آن را دارد که وی برای جبران زیان‌های ناشی از کالای معیوب، تکلیفی به اثبات تقصیر تولیدکننده نداشته باشد و گرنه در موارد بسیاری ممکن است به لحاظ عدم امکان اثبات تقصیر تولیدکننده، زیان‌های او بدون جبران باقی بماند. ماده‌ی یک دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا نیز بر همین مبنا مقرر می‌دارد: «تولیدکننده مسؤول خسارتی است که از عیب در محصول او ناشی می‌شود». این نوع مسؤولیت که مسؤولیت محض نام گرفته است، «نمودار مسؤولیتی است که به حکم قانون و بر پایه مصلحت و تدبیر ایجاد می‌شود

۱. از جمله می‌توان به اصلاحیه‌ی سوم مسؤولیت مدنی آمریکا (۱۹۹۷)، قانون حمایت از مصرف‌کننده انگلیس (۱۹۸۷)، قانون مسؤولیت در برابر کالای معیوب آلمان (۱۹۹۰)، قانون مسؤولیت ناشی از تولید فرانس (۱۹۹۸) و قانون مسؤولیت ناشی از عیب تولید هلند (۱۹۹۰) اشاره کرد.

2. Restatement

و تابع قواعد عمومی مسؤولیت مدنی نیست، به همین جهت هم آن را مسؤولیت نوعی یا کلی نیز نامیده‌اند. هدف این نوع مسؤولیت تحمیل ضمان به نتیجه‌ی فعل است نه کیفیت آن» (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۸۶؛ ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۲/۵). به بیان دیگر، صرف نظر از تقصیر یا عدم تقصیر تولیدکننده در فعل خود (ساخت و ارائه‌ی کالای معیوب)، وی مسؤول زیان‌هایی است که از کالای معیوب او ناشی شده است (Sher-row, 2010: 57).

بر این اساس، نظریه‌ی مذکور از این حیث به معیار «تعهد به نتیجه»^۱ نزدیک می‌شود؛ با این تفاوت که معیار «تعهد به نتیجه»، به طور عمده، خاص رابطه‌های قراردادی است؛ اما مسؤولیت محض در هر یک از دو قلمروی مسؤولیت قراردادی و مسؤولیت مدنی مطرح می‌شود (Epstin, 2009: 342; Brian; Deborah, 2007: 161). از این جهت گفته شده است که نظریه‌ی مسؤولیت محض، نتیجه‌ی «نظامی است که به اندیشه‌های حقوقی از راه نفوذ در آرای قضایی یا در قوانین پرداخته است؛ نظامی که هدف اصلی آن حمایت از مصرف‌کننده است و خطر ناشی از محصولی معیوب را بر عهده‌ی تولیدکننده می‌نهد، خواه سبب آن خطای طرح‌کننده یا کارگران و کارگزاران عرضه‌ی کالا باشد یا سفارش ویژه‌ی طرف قرارداد و نقض تعهد» (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۶۹). قید «سفارش ویژه‌ی طرف قرارداد و نقض تعهد» حکایت از امکان وجود رابطه‌ی قراردادی برای تحقق مسؤولیت محض دارد. رویکردی که در بند یک ماده‌ی ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه نیز پیش‌بینی شده و ملاک عمل قرار گرفته است.

توجه به مسؤولیت محض را باید نتیجه‌ی ضرورت‌های اقتصادی دانست. طرفداران تحلیل اقتصادی حقوق، استفاده از نظریه‌ی مسؤولیت محض را در مسؤولیت مدنی از موجبات کارا شدن قواعد مسؤولیت مدنی در حوزه‌ی مسؤولیت ناشی از عیب تولید دانسته‌اند؛ به ویژه از این حیث که سبب رعایت تعادل میان منافع تولیدکننده و منافع مصرف‌کننده می‌شود و از تحمیل هزینه بر جامعه جلوگیری می‌کند (Moore and Viscusi, 2001: 15-17).

بر مبنای این نوع مسؤولیت که بر تولیدکننده تحمیل شده است، شخص زیان‌دیده با اثبات سه عنصر تحقق مسؤولیت محض یعنی: «ورود زیان»، «وجود

1. Consequential Obligations

عیب در کالا»، و «رابطه‌ی سببیت میان عیب و زیان» می‌تواند خسارات خود را از تولیدکننده دریافت کند. لزوم وجود این سه عنصر برای تحقق مسؤولیت محض در ماده‌ی ۴ دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا پیش‌بینی شده است.

در فرانسه نیز به مانند بسیاری از نظام‌های «حقوق نوشته»^۱ پیش از عصر صنعت، مقررات خاصی درباره‌ی مسؤولیت تولیدکننده وجود نداشته است. دادگاه‌های این کشور با تفسیر موادی از قانون مدنی که ناظر بر تعهدات فروشنده است، در مقام رفع این خلاء برآمده‌اند. از این رو، تا پیش از سال ۱۹۹۸ میلادی، مسؤولیت مدنی تولیدکننده مشمول قواعد کلی ناظر بر قراردادها و مسؤولیت مدنی قرار داشت. در واقع مواد ۱۶۴۹-۱۶۴۱ قانون مدنی فرانسه درباره‌ی مسؤولیت قراردادی و مواد ۱۳۸۴-۱۳۸۲ این قانون در خصوص مسؤولیت مدنی، مبنای تفسیر قضات در پرونده‌های راجع به مسؤولیت تولیدکننده بوده است. بنابر یک اصل پذیرفته شده در رویه‌ی قضایی فرانسه، در صورت وجود رابطه‌ی قراردادی میان طرفین، زیان دیده فقط باید بر اساس مسؤولیت قراردادی اقدام به طرح دعوا کند و امکان استناد به مسؤولیت مدنی در چنین صورتی منتفی است.^۲ افزون بر این، تعهدات فروشنده ناظر بر عیوب پنهانی است؛ وی در قبال عیوب ظاهری که خریدار می‌توانسته از آن‌ها اطلاع یابد، مسؤولیتی ندارد (Bell, 2001: 79). با این وجود برخی حقوق‌دانان فرانسه معتقدند که با توجه به عدم تعریف مسؤولیت قراردادی در قانون مدنی فرانسه، اصولاً چنین مسؤولیتی وجود ندارد. به این معنی که از نگاه آنان، حکم دادگاه به پرداخت خسارت بر مبنای قرارداد، ناشی از مسؤولیت قراردادی نیست، بلکه این حکم شیوه‌ای برای الزام فروشنده به اجرای تعهدات قراردادی است (Cadiet, 2000: 503). این نظر که بر خلاف رویه‌ی قضایی فرانسه است، در عمل بر رژیم جبران خسارت بی‌تأثیر مانده است.

به هر حال، دادگاه‌های فرانسه بر اساس مواد ۱۳۸۴-۱۳۸۲ قانون مدنی، صرفاً به استفاده‌کنندگان کالا و اشخاص ثالثی که در نتیجه‌ی استفاده‌ی شخص دیگری،

1. Civil Code

۲. این اصل که در رویه‌ی قضایی فرانسه با عنوان «noncuul des responsqbilite» مطرح می‌شود، در موارد متعددی مورد توجه دادگاه‌ها قرار گرفته است. برای نمونه می‌توان به رأی مورخ بیست و چهارم نوامبر ۱۹۸۷ دادگاه تجدیدنظر پاریس اشاره کرد که بر اساس آن دعوای خواهان مبنی بر مطالبه‌ی خسارت به استناد مسؤولیت مدنی رد شد (Dalloz, Droit de la resposibilit  et des contrats, 2006/2007, n. 8344 s.).

دچار زیان می‌شدند، اجازه می‌دادند دعوی خود را علیه فروشنده بر مبنای مسئولیت مدنی به ویژه ماده‌ی ۱۳۸۴ قانون مذکور طرح کنند. به موجب این ماده، مسئولیت جبران خسارت بر فردی تحمیل می‌شود که شئی تحت کنترل وی آن خسارت را ایجاد کرده است. اما خریداران باید دعوی خود را بر مبنای «نقض تعهد فروشنده» به تحویل کالای سالم طرح کنند. مبنای این تفکیک، ماده‌ی ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه است که مقرر می‌دارد «هر کس سبب ورود خسارت به دیگری شده است در صورت تقصیر باید آن را جبران کند». بر اساس این ماده، اثبات تقصیر خوانده، پیش شرط مسئولیت او است. دادگاه‌ها از تحلیل رفتار تولیدکننده برای اثبات تقصیر فراتر رفته و به خود محصول توجه کرده‌اند؛ به نحوی که صرف اثبات تحویل کالای معیوب کافی است. این امر مثبت تقصیر تولیدکننده می‌باشد (Willem H. van Boom, Meinhard Lukas and Christa Kissling, 2007: 93-95)؛ با این وجود برای تولیدکننده این امکان وجود دارد که با اثبات این امر که منشاء ورود خسارت شخص ثالث و یا فورس‌ماژور بوده است، خود را از مسئولیت معاف کند.

تفکیک میان مسئولیت قراردادی و مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه از این جهت است که:

اولاً، مهلت طرح دعوا در مسئولیت قراردادی بر تشخیص دادگاه مبتنی است؛ امری که با توجه به ماهیت عیب و عرف محل قرارداد فروش تعیین می‌شود. در حالی که بر اساس ماده‌ی ۲۲۶۲ قانون مدنی فرانسه مهلت طرح دعوا بر مبنای مسئولیت مدنی، سی سال است.

ثانیاً، ملاک ارزیابی خسارت نیز در این دو متفاوت است. در مسئولیت مدنی، ملاک برای جبران خسارت، برگرداندن وضعیت زیان‌دیده به زمان پیش از ورود خسارت است. از این رو، جبران خسارت باید به طور کامل صورت گیرد. اما در مسئولیت قراردادی، خساراتی جبران می‌شود که در زمان تحقق قرارداد فروش، برای خوانده‌ی دعوا قابل پیش‌بینی بوده است (ماده‌ی ۱۱۵۰ قانون مدنی فرانسه)، در این خصوص، دادگاه‌ها علاوه بر لحاظ جبران کامل خسارات برای فروشندگان حرفه‌ای، گاهی معیار قابلیت پیش‌بینی را در مقام تفسیر، ناظر بر ماهیت ضرر دانسته‌اند و نه میزان مالی خسارت (Debouzy and por, 2002: 318)، اما در هر صورت، این

محدودیت وجود دارد.

نتیجه آن که، بر اساس سنت قانون مدنی و رویه‌ی قضایی فرانسه، خریداران کالا در مقایسه با دیگر زیان‌دیدگان امکان دریافت تمامی خسارات خود را ندارند؛ همان‌گونه که گفته شد در قلمرو قراردادها، وفق ماده‌ی ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه طرف قرارداد مسؤول خساراتی است که از جهت عدم ایفای تعهدات قراردادی به بار آمده است؛ حتی اگر فاقد سوءنیت باشد؛ مگر این که ثابت کند عدم اجرای قرارداد ناشی از یک سبب خارجی بوده که نمی‌توان به آن نسبت داد. بنابراین، در خصوص قرارداد بیع، قانون مدنی برای فروشنده دو تعهد را پیش‌بینی نموده است: نخست، تعهد به تسلیم کالا و دیگر، تعهد به تضمین کالای فروخته شده. تعهد اخیر، در زمینه‌ی مسؤولیت ناشی از تولید از اهمیت بسیاری برخوردار است. در حقوق فرانسه، طرف قرارداد نه تنها ملزم به ایفای شروطی است که در قرارداد تصریح شده است، بلکه ملزم به تکالیفی است که دادگاه‌ها گسترش داده‌اند. یکی از مهم‌ترین این تکالیف، تعهد ایمنی^۱ است.

در فرانسه نخستین گام در جهت حمایت جامع از مصرف‌کننده، با تصویب قانون بیست و یکم ژوئیه ۱۹۸۳ برداشته شد. این قانون که از ابتدای ژانویه‌ی ۱۹۸۴ قابل اجرا شد، به تحولی آرام در اصول حقوقی مسؤولیت مدنی و پذیرش مبنای مسؤولیت محض برای تولیدکننده تفسیر شد. ماده‌ی یک این قانون مقرر نمود «محصولات و خدماتی که به بازار عرضه می‌شود باید ایمنی مورد انتظار متعارف را داشته باشد». بر اساس این قانون، معیار تأمین ایمنی، انتظار متعارف است و نه انتظار حرفه‌ای متخصصان.

با تصویب قانون ۱۹۹۸ در خصوص مسؤولیت ناشی از تولید،^۲ ماده‌ی ۱-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه اعلام کرد «تولیدکننده مسؤول زیان ناشی از محصول خویش است، اعم از آن که بین او و زیان‌دیده قراردادی وجود داشته باشد یا چنین قراردادی در میان نباشد». از این رو، ضمن تحمیل مسؤولیت محض بر تولیدکننده، این امکان برای مصرف‌کننده (اعم از خریدار کالا و سایر اشخاص) فراهم آمد که مبنای طرح دعوا و وصول خسارت را خود انتخاب کند.

1. obligation de securite

2. De la Responsabilite du Fait des Produits Defectueux

در واقع باید گفت تصویب ماده‌ی ۱-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه، افزون بر لزوم رعایت ماده‌ی یک دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا، در نگاه دادگاه‌ها و دکترین نسبت به مسؤولیت ناشی از تولید ریشه دارد؛ تصویب این ماده، آخرین گامی بود که حرکت حقوق فرانسه را به سوی مسؤولیت محض کامل کرد.

برای شناخت مبنای مسؤولیت تولیدکننده در حقوق ایران، در ابتدا، بررسی لایحه‌ی حمایت از حقوق مصرف‌کننده مصوب ۱۳۷۲/۲/۸ هیأت وزیران، ضروری است؛ به موجب ماده‌ی ۳ این لایحه «عرضه‌کنندگان کالا و خدمات ضامن صحت و سلامت کالا و خدمات مطابق با مشخصات اعلام شده استانداردهای تدوین شده و ضوابط اعلام شده توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دستگاه‌های ذی‌ربط بوده و باید کلیه خسارات ناشی از عیوب کالا و خدمات را جبران نمایند». عبارت «ضامن صحت و سلامت کالا و خدمات» در این ماده حکایت از آن داشت که دولت به نظریه‌ی «تضمین سلامت» نظر داشته است؛ که در جای خود گام مهمی در حمایت از حقوق مصرف‌کننده و دور شدن از نظریه‌ی سنتی تقصیر بوده است؛ به ویژه آن‌که در تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۵ لایحه آمده بود «شرط عدم مسؤولیت تضمین یا تحصیل براءت از ضمان (گارانتی) توسط عرضه‌کنندگان باطل و بلااثر است»؛ در این ماده به صراحت از مسؤولیت ناشی از تضمین نام برده شده بود.

پس از ارائه‌ی لایحه به مجلس شورای اسلامی، کمیسیون اقتصادی مجلس، لایحه را به دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس ارسال نمود؛ در نهایت کمیته‌ای متشکل از کارشناسان دفتر اقتصادی و معاونت بازرگانی داخلی لایحه را بررسی نمودند؛ پس از اتمام کار کمیته، دفتر بررسی‌های حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس بار دیگر پیش‌نویس قانون را بررسی و متن نهایی را آماده نمود. در ماده‌ی ۲ این متن، مقرر شد که «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات منفرداً و متضامناً مسؤول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده مطابق با ضوابط مندرج در قوانین، یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند و باید کلیه خسارات مادی و معنوی ناشی از عیوب یا عدم انطباق کالا و خدمات را جبران کنند». این ماده در مقایسه با ماده‌ی ۳ لایحه‌ی یاد شده متضمن تغییراتی بود؛ به نحوی که، قید «منفرداً و متضامناً» اضافه شد؛ واژه‌ی «ضامن» به «مسؤول» تغییر یافت و بر

لزوم جبران «خسارات معنوی» در کنار خسارات مادی تأکید شد.

به رغم آن که در این ماده، مسؤولیت تضامنی و خسارات معنوی نیز مورد توجه قرار گرفت، با کنار نهادن «نظریه‌ی تضمین سلامت» به عنوان مبنای مسؤولیت تولیدکننده، در نهایت مبنای سنتی «تقصیر» پذیرفته شد؛ زیرا هر چند بخش نخست این ماده، عرضه‌کنندگان کالا و خدمات را مسؤول صحت و سلامت کالا دانسته، اما این مسؤولیت به ضوابط اعلام شده در قوانین، قرارداد یا عرف مقید شده است. با این وصف، واژه‌ی «مسؤولیت» در محدوده‌ی ضوابط مذکور، ناظر بر مبنای عمده‌ی مسؤولیت در نظام حقوقی ایران یعنی تقصیر است. به بیان دیگر، حکم بر مسؤولیت تولیدکننده به صورت مقید، فی‌نفسه بر «چیستی مبنای مسؤولیت» برای خسارات ناشی از تولید کالا دلالت ندارد و صرفاً شخص مسؤول را تعیین می‌کند؛ لذا، با لحاظ این که درباره‌ی این مبنا قرینه‌ی خاصی ارائه نشده است، باید آن را بر مبنای پذیرفته شده در نظام مسؤولیت مدنی ایران حمل نمود که به طور عمده و جز در موارد خاص همان تقصیر است.

با تصویب قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده، ماده‌ی ۲ این قانون مقرر نمود «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسؤول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند...». به این ترتیب، نه تنها عبارت «منفرداً و متضامناً» به عبارت «منفرداً یا مشترکاً» تغییر یافت، از خسارت معنوی نیز نامی برده نشد. ماهیت مسؤولیت (از حیث تضامن یا عدم آن) و شمول یا عدم شمول این قانون نسبت به خسارت معنوی، در بخش مربوط به حدود مسؤولیت خواهد آمد؛ در اینجا صرفاً چیستی مبنای مسؤولیت بررسی می‌شود.

همان‌گونه که گفته شد، اعلام مسؤولیت تولیدکننده نسبت به خسارات ناشی از کالا و خدمات عرضه‌شده، بیانگر مبنای مسؤولیت نمی‌باشد؛ لذا نباید گمان نمود مبنای مسؤولیت در این قانون نیز همان مبنای پذیرفته شده در دستورالعمل یا قانون مدنی فرانسه است؛ زیرا:

اولاً، موضوع مسؤولیت در ماده‌ی ۱ دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا و

ماده‌ی ۱-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه «خسارات ناشی از عیب کالا»^۱ (مسؤولیت مدنی) است، نه خسارت ناشی از «فروش» کالای معیوب^۲ (مسؤولیت ناشی از نقض تعهد قراردادی)؛ در حالی که موضوع مسؤولیت در ماده‌ی ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده صحت و سلامت خود کالا (معیوب نبودن کالا) است. به همین جهت، بخش دوم ماده‌ی ۲ این قانون همانند قانون مدنی، موضوع کلی یا معین بودن کالای فروخته شده و امکان مطالبه‌ی عوض سالم، گرفتن ارزش یا اقدام به فسخ معامله را مطرح نموده است. این امر، بحث را از هدف اصلی مقررات حمایت از حقوق مصرف‌کننده (که موضوع آن خسارات ناشی از کالای معیوب) است، دور کرده و حمایت از مصرف‌کننده در برابر عیب و نقص خود کالا را ملاک قرار داده است. بر این اساس ماده‌ی ۲ مذکور از مقررات قانون مدنی فراتر نرفته است؛ اگر قانون‌گذار در این ماده صرفاً اعلام می‌کرد که «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسؤول سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده هستند»، مبنای مسؤولیت عرضه‌کنندگان به مبنای پذیرفته شده در دستورالعمل و قانون مدنی فرانسه یعنی مسؤولیت محض نزدیک می‌شد؛ اما قیود بعدی، امکان چنین تفسیری را منتفی ساخته است.

ثانیاً، ماده‌ی ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده، ناظر به قرارداد بیع و منحصر در رابطه‌ی میان تولیدکننده و خریدار می‌باشد؛ لذا سایر مصرف‌کنندگانی که طرف قرارداد بیع نبوده‌اند، از شمول این ماده خارج‌اند. باید توجه داشت که در ماده‌ی ۱ لایحه‌ی حمایت از حقوق مصرف‌کننده مصوب ۱۳۷۲ مصرف‌کننده معنای عامی داشت؛ به موجب این ماده «مصرف‌کننده هر شخص حقیقی یا حقوقی است که کالایی را برای رفع نیاز خود و یا اشخاص تحت تکفل یا تحت اداره خود می‌خرد، تهیه می‌کند یا از آن استفاده می‌کند و یا خدمتی را به این منظور مورد استفاده قرار می‌دهد». مشخص نیست چرا قانون‌گذار این تعریف را کنار نهاده و مصرف‌کننده را در خریدار کالا یا خدمات منحصر نموده است.

بنابراین مسأله‌ی «خسارات ناشی از کالای معیوب» که هدف اصلی تدوین مقررات راجع به حقوق مصرف‌کننده است، از موضوع این ماده خارج است؛ در حالی که غالباً افراد متضرر از مصرف کالا، با تولیدکننده رابطه‌ی قراردادی ندارند؛ ضمن

1. Prejudice cause par la chose
2. Prejudice cause par la vente

آن که، میزان خسارت وارد شده نیز در اکثر موارد بیش از بهای قراردادی کالا است (بزرگمهر، ۱۳۸۵: ۳۸). برای یافتن حکم قانونی در خصوص این قسم از خسارات نمی‌توان به این ماده استناد کرد. پرسش این است که آیا قانون‌گذار به چنین خساراتی توجه نداشته است؟ مبنای مسؤولیت تولیدکننده در قبال این نوع خسارات چیست؟ به نظر می‌رسد ماده‌ی ۱۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده ناظر بر این نوع خسارات است؛ به موجب این ماده «چنانچه کالا یا خدمات عرضه‌شده توسط عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به واسطه آن عیب، خساراتی به مصرف‌کننده وارد گردد، متخلف علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی حداکثر تا معادل چهار برابر خسارت محکوم خواهد شد». به رغم آن که این ماده، خسارات ناشی از کالا یا خدمات معیوب را مورد توجه قرار داده است، مبنای مسؤولیت عرضه‌کنندگان را مشخص نکرده است. بنابراین، در این خصوص نیز باید به قواعد عام مسؤولیت مدنی استناد کرد؛ در این صورت با لحاظ ماده‌ی یک قانون مسؤولیت مدنی، گریزی از پذیرفتن مبنای تقصیر برای این نوع خسارات نیست. ممکن است گفته شود آن‌چه برای تحقق مسؤولیت ضروری است، احراز رابطه‌ی سببیت میان کالای معیوب و زیان است و نه وجود تقصیر عرضه‌کننده (عبدی‌پور؛ پرتو، ۱۳۹۰: ۴). اما این دیدگاه را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا با توجه به ماده‌ی ۱۶ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده که مقرر می‌دارد «مسؤولیت جبران خسارات وارده به مصرف‌کننده با تشخیص مرجع رسیدگی‌کننده به عهده شخص حقیقی یا حقوقی اعم از خصوصی و دولتی می‌باشد که موجب ورود خسارت و اضرار به مصرف‌کننده شده است...»، احراز مسؤولیت به «تشخیص مرجع رسیدگی‌کننده» منوط شده است؛ این امر معنایی جز لزوم احراز تقصیر ندارد. با این توضیح معلوم می‌شود آن‌چه ماده‌ی ۱۸ قانون مذکور در مقام بیان آن بوده است، امکان جمع میان «جبران خسارت» و «مجازات کیفری» است و نه اعلام بیان مبنای مسؤولیت.

پرسش دیگری آن‌که آیا مصرف‌کنندگان موضوع این ماده، تمامی مصرف‌کنندگان هستند یا صرفاً «خریداران کالای معیوب» را شامل می‌شود؟ با لحاظ این که قانون‌گذار در بند یک ماده‌ی یک قانون مذکور، مصرف‌کننده را هر شخص حقیقی یا حقوقی عنوان کرده که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کنند، عنوان

مصرف‌کننده را باید منصرف از سایر مصرف‌کنندگان تلقی کرد؛ در غیر این صورت، تعریف مصرف‌کننده در بند مذکور عملی لغو خواهد بود. ممکن است این پرسش مطرح شود که در فرض وحدت مبنای مسؤولیت در مواد ۲ و ۱۸ این قانون و پذیرش مبنای تقصیر برای مسؤولیت عرضه‌کنندگان، تفکیک میان مصرف‌کنندگان مشمول قانون (خریداران) و سایر مصرف‌کنندگان چه تأثیری دارد؟ پاسخ این است که تفکیک میان آنان از حیث حکم کیفری موضوع ماده‌ی ۱۸ قانون مذکور^۱ منشأ اثر است؛ زیرا حکم کیفری موضوع این ماده صرفاً بر مصرف‌کنندگانی ناظر خواهد بود که عنوان خریدار دارند و نمی‌توان آن را به دیگر مصرف‌کنندگان تعمیم داد. تردیدی نیست که چنین تفکیکی فاقد توجیه حقوقی بوده و بر خلاف انصاف و عدالت قضایی است؛ اما با توجه به تعریف اشتباه قانون‌گذار از مصرف‌کننده و لزوم تفسیر مضیق احکام کیفری، چاره‌ای جز رعایت این تفکیک وجود ندارد.

۴. شرایط مسؤولیت تولیدکننده

حدود مسؤولیت بر حدود مسؤولیت تولیدکننده و همچنین نوع مسؤولیت (مسؤولیت منفرد، مشترک یا تضامن) ناظر است. با توجه به این که خسارت‌های موضوع مسؤولیت ناشی از کالای معیوب، دارای وضعیت خاصی است، پیش از پرداختن به این دو موضوع، نخست مفهوم خسارت بررسی می‌شود.

۴-۱. مفهوم خسارت

ماده‌ی ۹ دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا مقرر می‌دارد «از نظر ماده‌ی یک، خسارت عبارت است از:

الف) خسارتی که از مرگ یا زیان‌های جسمی ناشی می‌شود؛ ب) تلف یا خسارت وارد بر اموالی غیر از خود کالای معیوب، که کم‌تر از پانصد یورو نباشد، مشروط بر این که ارقام این اموال، نوعاً به گونه‌ای باشند که برای استفاده یا مصرف شخصی منظور شده‌اند، و شخص زیان‌دیده آن‌ها را به طور عمدۀ برای استفاده یا

۱. «چنانچه کالا یا خدمات عرضه‌شده توسط عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به واسطه آن عیب، خساراتی به مصرف‌کننده وارد گردد متخلف علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی حداکثر تا معادل چهار برابر خسارات محکوم خواهد شد».

مصارف شخصی به کار می‌گیرد. این ماده لطمه‌ای به مقررات ملی راجع به خسارات معنوی نخواهد رساند.

به موجب این ماده، خسارات ناشی از کالای معیوب: اولاً، مرگ و هر گونه زیان جسمی را در بر می‌گیرد؛ ثانیاً، نقص یا عیب خود کالا از شمول طرح نمونه خارج بوده و مشمول قوانین داخلی راجع به عیب پنهانی کالا می‌باشد؛ ثالثاً، خساراتی که در اثر کالای معیوب به اموال زیان‌دیده وارد می‌شود، حداقل باید پانصد یورو باشد؛ رابعاً، خسارات معنوی از شمول طرح نمونه خارج و مشمول قوانین داخلی است؛ خامساً، کالاهایی که به آن‌ها خسارت وارد می‌شود، باید نوعاً استفاده و مصرف شخصی داشته و زیان‌دیده نیز آن‌ها را به همین منظور به کار گرفته باشد.

افزون بر این، ماده‌ی ۱۴ دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا مقرر می‌دارد که زیان‌ها و خسارات ناشی از حوادث اتمی موضوع کنوانسیون‌های بین‌المللی که به تصویب کشورهای عضو رسیده است، از شمول این طرح خارج است.

در بند ۴ ماده‌ی ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه، تولیدکننده مسؤؤل هرگونه خسارتی است که به بدن مصرف‌کننده یا سایر اموال وی وارد می‌شود؛ این امر تمامی خسارات مادی و معنوی را در برمی‌گیرد. لزوم پرداخت خسارات معنوی در این قانون با طرح نمونه مغایرتی ندارد؛ زیرا همان‌گونه که ماده‌ی ۹ طرح نمونه پیش‌بینی کرده است، کشورهای عضو جامعه‌ی اروپا می‌توانند در این خصوص به قوانین داخلی خود استناد کنند. در مورد خسارت خود کالا نیز از طرح نمونه تبعیت شده است؛ به این معنی که چنین خساراتی تابع قواعد مربوط به عیب مخفی بوده و به رابطه‌ی قراردادی است. اما از حیث رعایت شرط حداقل خسارت، با توجه به عدم پیش‌بینی این شرط در بند ۲ ماده‌ی ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه، در صورتی که خسارات وارد بر اموال مصرف‌کننده، کم‌تر از مبلغ مزبور بود، باز هم مشمول این قانون قرار می‌گرفت. عدم رعایت شرط حداقل خسارت، سبب شد دادگاه عدالت اروپا در بیست و پنجم آوریل ۲۰۰۲ میلادی، فرانسه را به علت نادیده گرفتن عمدی مقررات طرح نمونه به پرداخت جریمه محکوم کند. از نظر این دادگاه، هدف از رعایت شرط حداقل خسارت این است که مقررات راجع به مسؤولیت ناشی از کالای معیوب، منحصر به زیان‌های مهم باشد و از این طریق از افزایش طرح دعاوی کم‌اهمیت جلوگیری شود

(Fairgrieve, 2005: 94-95). بر این اساس بود که قانون هفدهم فوریه ۲۰۰۵ فرانسه نیز در مقام هماهنگی با دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا، شرط لزوم رعایت حداقل خسارت (پانصد یورو) را پیش‌بینی کرد.

در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده ایران، خسارت ناشی از فروش کالای معیوب (ارش) (ماده ۲)، و هم‌چنین خسارات ناشی از کالای معیب (ماده ۱۸) مورد توجه قرار گرفته است؛ مقصود از خسارت ناشی از فروش کالا، همان ارشی است که به لحاظ وجود عیب و نقص در کالا به خریدار پرداخت می‌شود؛ این مسأله در بند ۴ از ماده‌ی یک تعریف شده است؛ اما درباره‌ی خسارات ناشی از کالای معیب، یعنی خساراتی که از کالای معیوب به جان و اموال مصرف‌کننده وارد می‌شود، تعریفی ارائه نشده است؛ با این وصف باید قائل شد که مقصود تمامی خساراتی است که ممکن است در نتیجه کالای معیوب وارد شود؛ اعم از این که عیب و نقص باشد یا تلف، مادی باشد یا معنوی، مرگ باشد یا زیان‌های جسمی، در مورد خسارات نیز حداقلی پیش‌بینی نشده است. در خصوص این تعریف می‌توان به ماده‌ی یک آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده نیز استناد کرد که به موجب آن «حقوق مصرف‌کننده: حقوقی است که کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات منفرداً و متضامناً از حیث صحت، کمیت، کیفیت و سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف می‌بایست در معاملات رعایت نموده و کلیه خسارات مادی و معنوی ناشی از عیوب یا عدم انطباق کالا یا خدمات را بر طبق قوانین و ضوابط جاری جبران نمایند».

به نظر می‌رسد محدود کردن خسارات موضوع دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا به خسارات بدنی و مادی و واگذاری خسارات اقتصادی و معنوی به قوانین داخلی، امری منطقی و منطبق با مصلحت‌سنجی‌های حقوقی - اقتصادی است؛ زیرا توسعه‌ی مسئولیت تولیدکننده به مطلق خسارات، تولیدکننده را با خطر عدم امکان پیش‌بینی خسارات سنگین مواجه می‌کند؛ امری که در نهایت بر تولید اثر منفی خواهد داشت (Malinvaud, 1973: 234). از این رو بهتر است خسارات اقتصادی مانند کاهش قیمت یا عدم‌النفع و خسارات معنوی تابع قواعد عام مسئولیت مدنی قرار گیرد. به هر حال از آن‌چه درباره‌ی مفهوم خسارت در هر سه قانون مذکور گفته

شد، معلوم می‌شود که:

اولاً، دستورالعمل و قانون مدنی فرانسه، خسارت ناشی از «فروش کالای معیوب» را از شمول «مسئولیت ناشی از عیب کالا» خارج کرده و به قوانین داخلی ارجاع داده‌اند؛ در حالی که قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده، عمدتاً این نوع خسارات را مورد توجه قرار داده است.

ثانیاً، قانون مدنی فرانسه و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده ایران، جبران خسارات معنوی را نیز بر عهده‌ی تولیدکننده قرار داده‌اند؛ اما دستورالعمل یاد شده صرفاً خسارات مادی را لحاظ کرده است.

ثالثاً، هر چند در دستورالعمل مذکور، خساراتی مشمول حمایت قرار گرفته است که میزان آن‌ها از حداقل اعلام شده کم‌تر نباشد، در قانون مدنی فرانسه و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده ایران، چنین حداقلی پیش‌بینی نشده است؛ لذا کلیه‌ی خسارات مشمول حمایت قرار گرفته‌اند.

۲-۴. حدود مسئولیت تولیدکننده

در مطالب پیشین، با تعیین نوع خسارت موضوع مسئولیت تولیدکننده، در واقع بخشی از حدود مسئولیت نیز بررسی شد. آن‌چه در اینجا بررسی می‌شود ناظر بر انواع تولیدکنندگانی است که در بخش نخست مورد بحث قرار گرفتند؛ پرسش این است که شرایط رجوع به تولیدکننده چیست؟ آیا همه‌ی تولیدکنندگان موضوع ماده‌ی یک دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا و ماده‌ی ۶-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه و بند ۱-۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده ایران از حیث مراجعه‌ی مصرف‌کنندگان، وضعیت یکسانی دارند و امکان مراجعه به آن‌ها به نحو همزمان وجود دارد یا آن‌که باید قائل به تفکیک شد؟ در مقام پاسخ، هر یک از قوانین مذکور به ترتیب بررسی می‌شوند.

بندهای سه‌گانه‌ی ماده‌ی ۳ دستورالعمل یاد شده، امکان مراجعه به تمامی تولیدکنندگان را فراهم آورده است؛ با این توضیح که:

اولاً، می‌توان علیه سازنده‌ی تمام کالا طرح دعوا کرد؛ ضمن آن‌که، امکان طرح دعوا علیه سازندگان اجزاء کالا نیز امکان‌پذیر است.

ثانیاً، کسانی که جزئاً یا کلاً سازندهی کالا نیستند، اما نام یا علامت تجاری یا هر ویژگی خاص دیگری را بر کالا قرار داده‌اند، مسؤولیت مستقیم داشته و می‌توانند خوانندهی دعوا قرار گیرند.

ثالثاً، کسانی که کالایی را برای مقاصد تجاری به جامعهی اروپا وارد کرده‌اند، مستقیماً مسؤولیت داشته و می‌توانند خوانندهی دعوا قرار گیرند.

رابعاً، در مواردی که تولیدکنندهی کالا مشخص نیست، تهیه‌کنندگان کالا خوانندهی دعوا قرار می‌گیرند؛ مگر آن‌که ظرف مهلتی متعارف، هویت تولیدکننده یا کسی که کالا را از ناحیهی او تهیه کرده‌اند، به زیان‌دیده معرفی کنند. هم‌چنین اگر کالای معیوب از کالاهای وارداتی باشد، باز هم می‌توان در صورت مشخص نبودن واردکنندهی کالا تهیه‌کنندهی کالا را خوانندهی دعوا قرار داد؛ در این مورد تفاوتی ندارد که تولیدکنندهی کالای وارداتی معلوم باشد یا آن‌که چنین نباشد. در واقع، به مصرف‌کننده این امکان داده شده که به تمامی کسانی که برای وی میسر است، مراجعه کند و هزینه‌ی طرح دعوا علیه تولیدکنندهی خارجی بر او تحمیل نشود.

بنابراین، با توجه به بندهای مذکور، برای مراجعه به تولیدکننده، شرط خاصی وجود ندارد و صرفاً تهیه‌کنندهی کالا است که می‌تواند با معرفی مسؤولان واقعی، مسؤولیت خود را منتفی کند. در واقع، مسؤولیت تهیه‌کنندهی کالا بر طبق بند ۳ مادهی ۳ طرح نمونه، مسؤولیتی فرعی و تبعی است.

در حقوق فرانسه به رغم آن‌که مادهی ۶-۱۳۸۶ قانون مدنی این کشور، چنین حکمی را پیش‌بینی کرده بود، مادهی ۷-۱۳۸۶ این قانون دربارهی تهیه‌کنندگان کالا حکم دیگری داشت. به موجب مادهی اخیر، در صورتی که تولیدکننده معلوم نباشد، تهیه‌کنندهی حرفه‌ای کالا (مانند فروشنده و یا اجاره‌دهنده) نیز به مانند تولیدکننده، مسؤول سالم نبودن کالا است و شرایط وی با شرایط تولیدکننده تفاوتی ندارد. بنابراین، نمی‌تواند صرفاً با معرفی تولیدکننده یا تهیه‌کنندهی قبلی از مسؤولیت خود بکاهد. با توجه به این ماده، مصرف‌کننده از حمایت بیشتری برخوردار شده است؛ زیرا غالباً ترجیح می‌دهد دعوی خود را با توجه به صلاحیت محلی دادگاه محل اقامت خود، علیه تهیه‌کنندهی کالا طرح کند و نه تولیدکننده‌ای که ممکن است اقامتگاهی غیر از اقامتگاه تهیه‌کننده یا مصرف‌کننده داشته باشد.

این اقدام قانون‌گذار فرانسه نیز مورد اعتراض کمیسیون موضوع دستورالعمل قرار گرفت؛ دادگاه عدالت اروپا نیز با پذیرش اعتراض، فرانسه را به جهت عدم رعایت ماده‌ی ۳ دستورالعمل ۱۹۸۵ به پرداخت جریمه محکوم کرد (Fairgrieve, 2005: 94-95). در نهایت ماده‌ی ۷-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه به این صورت اصلاح شد که مسؤولیت سایر اشخاص مذکور در بند ۷ ناظر بر موردی است که تولیدکننده نامعلوم باشد (Fairgrieve, 2005: 94-95).

در حقوق ایران باید دو موضوع را از یکدیگر تفکیک نمود: نخست، خسارت ناشی از فروش کالا (ارش) و دوم، خسارات ناشی از عیب کالا. درباره‌ی خسارات گروه نخست، ماده‌ی ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده مقرر می‌دارد «... اگر موضوع معامله کلی باشد در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین‌شده، مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند و اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا ارش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند و فروشنده موظف است پرداخت کند. در صورت فسخ معامله از سوی مشتری، پرداخت خسارت از سوی عرضه‌کننده منتفی است».

تأمل در این ماده نشان می‌دهد که قانون‌گذار از مباحث قانون مدنی درباره‌ی تعهد فروشنده به تسلیم کالای سالم فرا نرفته و ضمانت‌اجراهای مقرر در قانون مدنی را در این ماده تکرار نموده است. بنابراین، نمی‌توان از جهت فروش کالای معیوب علیه فروشنده، اقامه‌ی دعوا و مطالبه‌ی خسارت نمود؛ تنها خسارت قابل مطالبه، همان ارش است.

با وجود این، برخی ماده‌ی ۱۸ این قانون را بر ماده‌ی ۲ آن حاکم دانسته‌اند؛ «جایی که عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به جبران خسارتی که از عیب کالا و خدمات بر مصرف‌کننده وارد شده، محکوم گشته‌اند. اطلاق این ماده بی‌گمان خسارتی را نیز در بر می‌گیرد که از عیبی حاصل آمده که به فسخ انجامیده است. بدین‌سان باید لفظ خسارت را در بخش اخیر ماده‌ی ۲ به معنی ارش دانست» (جعفری‌تبار، ۱۳۸۹: ۷۹).

این نظر را هرچند منطقی به نظر می‌رسد، نمی‌توان تأیید کرد؛ زیرا:

اولاً، همان‌گونه که گفته شد، ماده‌ی ۲ یاد شده صرفاً ناظر بر خسارت ناشی

از فروش کالای معیب است و موارد ضمانت اجرای آن همان موارد سه‌گانه‌ی مندرج در ماده است؛ در حالی که خسارت موضوع ماده‌ی ۱۸ این قانون خسارات ناشی از کالای معیب است و تفکیک این دو نوع خسارت از سوی قانون‌گذار، امکان چنین تفسیری را منتفی می‌کند.

ثانیاً، با لحاظ آشنایی قانون‌گذار با مفاهیم «خسارت» و «ارش» و توجه به این نکته که قانون‌گذار در مقام بیان شیوه‌های جبران خسارت ناشی از فروش کالای معیب بوده، و نیز با عنایت به سابقه‌ی تقنینی این امر در قانون مدنی، باید به این باور قائل شد که مقصود قانون‌گذار این است که فسخ معامله، سبب جبران خسارت خریدار شده است و او دیگر نمی‌تواند از این جهت مطالبه‌ی خسارت کند و گرنه تردیدی نیست که جمع ارش و فسخ معامله امکان ندارد.

در واقع، از آنجا که مصرف‌کننده همان خریدار تلقی شده است، پیش‌بینی ماده به همین وضع طبیعی است؛ اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا قانون‌گذار، مفهوم عام «عرضه‌کنندگان کالا و خدمات» را که در بند ۲ از ماده‌ی یک قانون یاد شده تعریف نموده و مصادیق بسیاری برای آن برشمرده است، در این ماده به فراموشی سپرده و فقط بر عنوان «فروشنده» تکیه کرده است؟ به بیان دیگر، چرا در صدر ماده‌ی مزبور در مقام اعلام مسؤولیت عرضه‌کنندگان کالا و خدمات برآمده است، اما در تبیین و بسط مسؤولیت آنان در مقابل خریدار، به طور عمده از فروشنده نام برده است؟ موضوع قابل توجه دیگر آن که در آخر ماده بار دیگر به عنوان عرضه‌کننده ارجاع داده و اعلام داشته است «... در صورت فسخ معامله از سوی مشتری، پرداخت خسارت از سوی عرضه‌کننده منتفی است».

با توجه به تحلیلی که درباره‌ی این ماده ارائه شد، به نظر می‌رسد واژه‌ی «عرضه‌کننده»، معادل واژه‌ی «فروشنده» انگاشته شده است؛ چه بسا مقصود قانون‌گذار عرضه‌کنندگانی است که خود مستقیماً کالایی را به خریدار فروخته‌اند؛ در هر دو صورت، این ماده صرفاً ناظر بر مسؤولیت فروشنده است. بنابراین، حدود مسؤولیت فروشنده در این قانون، همان حدودی است که در قانون مدنی آمده است؛ لذا، از این جهت قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده متضمن حکم جدیدی نمی‌باشد.

اما در خصوص مسؤولیت ناشی از عیب کالا، باید گفت این قانون درباره‌ی حدود مسؤولیت عرضه‌کنندگان حکمی ندارد و از این رو باید به قواعد عام مسؤولیت مدنی مراجعه کرد؛ هرچند در ماده‌ی یک آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون، اعلام شده است که «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات ... باید کلیه خسارات مادی و معنوی ناشی از عیوب یا عدم انطباق کالا یا خدمات را بر طبق قوانین و ضوابط جاری جبران نمایند»، اما لزوم پرداخت خسارات معنوی باید در قانون پیش‌بینی شود و نه در آیین‌نامه‌ی اجرایی ناظر بر آن. هرچند لزوم پرداخت خسارات معنوی در کنار خسارات مادی، با لحاظ ماده‌ی یک قانون مسؤولیت مدنی توجیه‌پذیر است، اما در هر حال ماده‌ی یک آیین‌نامه‌ی اجرایی مذکور قابل استناد نیست.

هم‌چنین باید توجه داشت خسارت موضوع ماده‌ی ۱۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده ناظر بر خسارات مادی و معنوی است و خسارات اقتصادی را در برنمی‌گیرد: نمی‌توان از تعریف عیب در بند ۴ ماده‌ی یک قانون مذکور که اعلام داشته «منظور از عیب در این قانون زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات گردد» چنین برداشت کرد که کاهش ارزش اقتصادی اموالی که در اثر کالای معیوب دچار زیان اقتصادی (کاهش ارزش) شده‌اند، قابل جبران است؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد این تعریف فقط ناظر بر خسارات ناشی از فروش کالای معیوب است و خسارات ناشی از کالای معیوب را در برنمی‌گیرد.

اما حدود مسؤولیت عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، از حیث تعیین خوانندگان دعوای خسارت ناشی از کالای معیوب، ناظر بر تمامی عرضه‌کنندگان مشمول بند ۲ ماده‌ی یک قانون یاد شده است؛ مصرف‌کننده می‌تواند به تمامی این افراد رجوع کند؛ این حق رجوع، صرفاً ناظر بر خریداران کالا و خدمات است و دیگر مصرف‌کنندگان باید به استناد قواعد عام مسؤولیت مدنی به عرضه‌کنندگان رجوع کنند.

۳-۴. وصف مسؤولیت تولیدکننده

پرسش این است که آیا مصرف‌کننده می‌تواند به تولیدکننده یا به تعبیر دیگر، توزیع‌کنندگان کالا و خدمات، در صورت تعدد به صورت همزمان مراجعه کند یا این مراجعه باید بر حسب ترتیب و اولویت صورت گیرد؛ و دیگر آن‌که، در صورت امکان

مراجعه‌ی همزمان، این مسؤولیت وصف مشترک دارد یا تضامنی؟ ماده‌ی ۵ دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه‌ی اروپا مقرر می‌دارد «در مواردی که در نتیجه‌ی مقررات این طرح، دو یا چند نفر مسؤول زیان شناخته می‌شوند، مسؤولیت آن‌ها مشترکاً و منفرداً است...». تعابیر مشترکاً و منفرداً^۱ در این ماده، همان مسؤولیت تضامنی است که در حقوق ایران پیشینه‌ی دیرینه‌ای دارد. با توجه به این ماده، مصرف‌کننده می‌تواند در فرض دخالت چند عامل در تولید کالای معیوب، فقط به یکی از آن دو یا به هر دو مانند تولیدکننده‌ی نهایی کالا و تولیدکننده‌ی جزئی از کالا مراجعه کند. در صورت اخیر، مسؤولیت این اشخاص تضامنی است. با این وجود، در بخش دوم ماده پیش‌بینی شده است که چنانچه مقررات حقوق داخلی در این موارد مسؤولیت را مشترک بدانند و یا درباره‌ی حق عدم رجوع به مسؤول اول، توافقی وجود داشته باشد، بر همان اساس اقدام می‌شود.

در ماده‌ی ۸-۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه نیز پیش‌بینی شده است که «در صورتی که زیان ناشی از عیب جزئی کالا باشد، تولیدکننده‌ی جزء کالا و کسی که تولیدکننده‌ی کالا شناخته می‌شود، مسؤولیت تضامنی خواهند داشت».

در حقوق ایران ماده‌ی ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده مقرر نموده است: «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسؤول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده ... هستند». ممکن است تصور شود که در حقوق ایران نیز مسؤولیت عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، به مانند دستورالعمل و قانون مدنی فرانسه، در صورت تعدد، تضامنی تلقی شده است؛ اما دقت در سیر تحول قانون از تقدیم لایحه به مجلس تا تصویب قانون، و نیز تأمل در عبارت «منفرداً یا مشترکاً»، خلاف آن را می‌رساند. ماده‌ی ۲ لایحه‌ی حمایت از حقوق مصرف‌کننده (گزارش کارشناسی) مقرر نموده بود «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات منفرداً و متضامناً مسؤول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده ... هستند». با تصویب قانون یاد شده، عبارت «منفرداً و متضامناً» جای خود را به عبارت «منفرداً یا مشترکاً» داد. پرسش این است که آیا عبارت دوم نیز معادل عبارت نخست است یا آن‌که با آن تفاوت دارد؟ به نظر می‌رسد قانون‌گذار به عمد، عبارت اخیر را به جای عبارت نخست قرار داده و در مقام

1. Jointly and Severally

اعلام وصف مسؤولیت عرضه‌کنندگان کالا و خدمات نظر بر مسؤولیت مشترک داشته است و نه تضامنی؛ زیرا:

اولاً، در حقوق ایران «مسؤولیت تضامنی» عنوان شناخته‌شده‌ای است و با این وصف، قانون‌گذار قید «تضامناً» مندرج در ماده را حذف و قید «مشترکاً» را به جای آن آورده است.

ثانیاً، نباید تصور کرد که مقصود قانون‌گذار ایران از عبارت «منفرداً یا مشترکاً» همان عبارت «منفرداً و مشترکاً» است که در دستورالعمل و قانون مدنی فرانسه، مفید معنای تضامنی است؛ زیرا در عبارت نخست از حرف «یا» و در عبارت دوم از حرف «و» استفاده شده است و همین امر معنای دو عبارت را دگرگون ساخته است. از حیث ادبی، وجود حرف «و» میان دو واژه‌ی منفرداً و متضامناً، حکایت از وجود این دو نوع قید در کنار یکدیگر و به طور همزمان دارد؛ به بیان دیگر، عبارت «منفرداً و مشترکاً» به این معنی است که در صورت تعدد مسؤولان، هر یک از آنان در عین حالی که مسؤولیتی مستقل دارد و می‌توان به او منفرداً مراجعه کرد، واجد مسؤولیتی مشترک نیز می‌باشد؛ مسؤولیتی که او را در کنار دیگر مسؤولان قرار می‌دهد و این همان معنایی است که از واژه‌ی متضامناً استفاده می‌شود. اما وجود حرف «یا» میان دو قید منفرداً و مشترکاً به این معنی است که مسؤولیت زمانی منفرداً لحاظ می‌شود و گاهی مشترکاً؛ به بیان دیگر، زمان استفاده از آن دو مستقل از یکدیگر است. گاه فقط یکی از آن‌ها مسؤولیت دارد؛ تشخیص دادگاه در این خصوص ملاک است و زمانی مسؤولیت آن‌ها مشترک است؛ به این معنی که خسارت میان آن‌ها تقسیم می‌شود.

در ماده‌ی یک آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده به این تفاوت دقیقاً توجه شده و از عبارت «منفرداً و متضامناً» استفاده شده است که به معنای نفی مسؤولیت مشترک (غیرتضامنی) میان عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تضامنی دانستن آن در صورت تعدد است. هر چند این اقدام آیین‌نامه به درستی صورت گرفته، اما باید توجه داشت که آیین‌نامه نمی‌تواند به تشدید مسؤولیت بپردازد؛ زیرا مسؤولیت تضامنی شدیدتر از مسؤولیت مشترک است و از این رو قابل استناد نیست؛ لذا هم‌چنان باید مسؤولیت میان عرضه‌کنندگان را مشترک داشت. بنابراین

در حقوق ایران با توجه به آنچه گفته شد، باید طرفین دعوا را بر اساس اصول و قواعد کلی حاکم بر مسؤولیت تعیین نمود. وفق اصول حقوقی می توان تمام کسانی که در جریان تولید، عرضه و فروش کالای معیوب دخیل بوده اند را خوانده ی دعوا قرار داد؛ زیرا برخی از آنان مانند فروشنده را می توان بر پایه ی نقض تعهد قراردادی (تعهد به تحویل کالای سالم)، مسؤول دانست و تولیدکننده و توزیع کننده را بر مبنای وجود رابطه ی سببیت متعارف میان اقدام آنان و ورود زیان، مسؤول قلمداد کرد (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۸۷). البته همان گونه که گفته شد، مبنای مسؤولیت آنان مشترک است و نه تضامنی.



برآمد

قانون‌گذار ایران در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده از حیث مسؤولیت تولیدکننده، در مقایسه با دستورالعمل جامعه‌ی اروپا درباره‌ی مسؤولیت ناشی از عیب تولید و مواد الحاقی به ماده‌ی ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه، گام مثبتی در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان برداشته است؛ با این وجود صرف‌نظر از امکان مجازات کیفری عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، از حیث مسؤولیت مدنی از قانون مدنی، فراتر نرفته است. مبنای مسؤولیت در این قانون، از حیث مسؤولیت ناشی از فروش کالای معیوب و همچنین مسؤولیت ناشی از کالای معیوب، نیازمند اصلاح است. از حیث حدود مسؤولیت نیز با توجه به این که از قواعد عام مسؤولیت مدنی فرا نرفته، قابل انتقاد است.

به نظر می‌رسد از حیث مبنا و حدود مسؤولیت، باید لایحه‌ی اولیه‌ی مصوب ۱۳۷۲ هیأت وزیران مبنای اصلاح این قانون قرار گیرد؛ زیرا هدف عمده از تصویب قوانین راجع به حقوق مصرف‌کننده، جبران زیان‌های جسمی و مادی است که از کالای معیوب به مصرف‌کننده وارد می‌شود؛ در حالی که در قانون مذکور، عمده مباحث ناظر بر شیوه‌های جبران خسارت ناشی از فروش کالای معیوب است که منحصر به همان موارد سنتی «مطالبه‌ی عوض»، «مطالبه‌ی ارش» و «فسخ معامله» است. درباره‌ی حدود مسؤولیت عرضه‌کنندگان و نوع مسؤولیت آن‌ها در مقابل مصرف‌کننده نیز ماده‌ی ۱۸ این قانون متضمن حکم خاصی نمی‌باشد؛ صرف مسؤول دانستن این افراد با لحاظ سایر موارد این قانون مانند منحصر کردن مصرف‌کننده به خریدار، تضامنی نبودن مسؤولیت عرضه‌کنندگان و تعریف ناقص عیب کالا، نمی‌تواند موضوع مثبتی تلقی شود.

فهرست منابع

- ابراهیمی، نصرالله، «مسؤولیت تولید کالای معیوب و حمایت از مصرف‌کنندگان (تحلیل حقوقی در سه نظام حقوقی برتر دنیا)»، تهران: پژوهش‌نامه‌ی حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره‌ی ۵، ۱۳۸۶.
- بزرگ‌مهر، داود، «مسؤولیت مدنی تولیدکنندگان کالا»، تهران: مجله‌ی حقوقی و قضایی دادگستری، شماره‌ی ۵۴، ۱۳۸۵.
- جعفری‌تبار، حسن، «مسؤولیت مدنی کالاها»، تهران: دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- صادقی، محسن، «مسؤولیت ناشی از کالای معیوب: مطالعه تطبیقی در حقوق سوئیس و ایران»، تهران، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های بازرگانی، شماره‌ی ۴۴، ۱۳۸۶.
- عادل، مرتضی؛ غفاری فارسانی، بهنام، «حق مصرف‌کنندگان در برخورداری از محصولات ایمن»، تهران: فصل‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، شماره‌ی ۵۱، ۱۳۸۸.
- عبدی‌پور، ابراهیم؛ پرتو، حمیدرضا، «قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، حرکتی رو به جلو یا بازخوانی قواعد سنتی»، تهران: نامه‌ی مفید (حقوق تطبیقی)، شماره‌ی ۸۵، ۱۳۹۰.
- کاتوزبان، ناصر، «حمایت از زیان‌دیده و مسؤولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه»، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، شماره‌ی ۶۸، ۱۳۸۴.
- کاتوزبان، ناصر، «مسؤولیت ناشی از تولید و عرضه سیگار»، تهران: فصل‌نامه‌ی حقوق، دوره‌ی ۳۷، شماره‌ی ۳، ۱۳۸۶.
- کاتوزبان، ناصر، «مسؤولیت ناشی از عیب تولید»، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
- مددی، صادق، «مسؤولیت مدنی تولیدکنندگان و فروشندگان کالا»، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- Ausness, Richard C., *Product Category Liability: A Critical Analysis*, 24 N. Ky.l., Rev., 1997.

Bell, David, *French Tort Law*, Oxford University Press, 6th., 2001.
Borger, William, *The Harmonization of European Products Liability Law*, in: *Product Liability in Practice*, Sweet and Maxwell, 2007.

Brian, George; Deborah, Carlin, *Brian and Deborah on Tort*, Sweet and Maxwell, 2009.

Cadiet, L., *Sur le faits et les mfaits de l'idelologie de la reparation de le juge deux millenaires*, Melanges Offerts a Pierre Drai. Dalloz, 2000.

Clark, A.M., *Product Liability*, London: Sweet & Maxwell, 1989.

Debouze, M. Oliver; Por, M. David, *Recent Evolution and Foreseeable Trends of French Product Liability Rules*, in: *Revue internationale de droit compare*. Vol. 54, 2002.

Epstein, Richard, A., *A Theory of Strict Liability*, in: *Philosophy of Law: Classic and Contemporary readings*, ed. Larry May and Jeff Brown, Wiley – Blackwell, 2009.

Fairgrieve, Duncan, *L eception francaise? The French Law of Product Liability*, in *Product Liability in Comparative Perspective*, edited by Duncan Fairgrieve, 1st. ed. Cambridge, 2005.

Fletcher, George P., *Fairness and Utility in Tort Theory*, in: *Philosophy of Law: Classic and Contemporary readings*, ed. Larry May and Jeff Brown, Wiley – Blackwell, 2009.

Howells, Geraint, *Product Liability – A History of harmonization*, in: *Product Liability in Comparative Perspective*, Edited by Duncan Fairgrieve, Cambridge, 2005.

Levmore, Saul, *Foundations of tort law*, Oxford University press, 1994.

Malinvaud, Philip, *La responsabilite civil du Fabricant en droit Francais*, La Gazette du Palais, 2 semestre, Juillet – Aout, 1973.

Moore, Michael J. W. Kip Viscusi, *Product Liability, Entering the*

- Twenty-First Century*, Brookings Institution Press, 2001.
Sheroow, Victoria, *Product Liability*, Chelsea hose Publisher, 2010.
Van Boom, Willem H; Lukas, Meinhard; Kissling, Christa, *Tort and Regulatory Law*, Springer-Verlag/Wien, 2007.

